بسم الله الرحمن الرحیم – اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

جلسه استاد عالم زاده نوری – 6/10/1397

موضوع: افق پیش رو و چشم انداز آینده طلاب رشته اخلاق اسلامی

* در مرحله انتخاب مأموریت یا انتخاب سنگر
* در این مرحله ما یک قدم از سایر طلاب جلوتر هستیم. عرصه تخصصی خود را که تمرکز بیشتری در آن داریم، مشخص کرده‌ایم و آن اخلاق است.
* البته این تخصصی بودن اخلاق به معنای بی اطلاعی از سایر زمینه‌ها و علوم دیگر نیست. اگر انسان یک کتاب مرجع در هر علمی را مباحثه و کنکاش کند، اشراف خوبی به دست می‌آورد.
* تفکیک میان دغدغه شغلی درآمدی و معیشتی با دغدغه رسالتی و مأموریتی.
* یک بحث وظیفه بودن تأمین معیشت است، و یک بحث تشخیص موقعیت و مأموریتی است که مفیدترین حالت را میتوانیم داشته باشیم.
* برای بررسی این مسئله، دو راه داریم:
	+ روش کشف استقرائی: از جزئی به کلی.
		- مدل اول: انواع کارهایی که در دنیای پیرامون ما انجام می‌گیرد را بررسی کنیم.
		- مدل دوم: انواع شخصیت‌هایی که پیرامون ما هستند را بررسی کنیم. ببینیم شخصیت‌های مطرح در زمینه اخلاق، چگونه عمل میکنند و چه خدماتی ارائه میدهند.
	+ روش کشف قیاسی: از کلی به جزئی. طلبگی خود را تجزیه کنیم و نقش خود را تشخیص دهیم.
* یک نمونه برای کشف استقرائی (منبع: محمد الهی خراسانی):
	+ آموزش:
		- * درون حوزه
			* بیرون حوزه
		- آموزش معارف اسلامی
		- آموزش منابع اسلامی
	+ پژوهش:
		- ب
		- نقد و ارزیابی
		- نظریه پردازی (اجتهاد)
		- تصحیح و احیای متون
		- ترجمه
			* منابع عمومی
			* منابع تخصصی
		- مأخذشناسی و اطلاع‌رسانی
	+ تبلیغ:
		- خطابه
		- مشاوره و راهنمایی
		- نویسندگی
		- فعالیت‌های رسانه‌ای
		- تبلیغ خارج از کشور
	+ قضاء.
	+ مدیریت.
* یک نمونه دیگر برای کشف استقرائی (منبع: شورای عالی حوزه علمیه):
	+ کارویژه‌های روحانیت شیعه
* یک نمونه برای کشف قیاسی: رسالت حوزه‌های علمیه: إقامه دین
	+ برای اقامه دین چند کار باید کرد:
		- اول: فهم دین
			* سطح اول: فهم آموزه‌های موجود
				+ یک طرف: معلّم تدریس علوم دینی
				+ یک طرف: متعلّم تحصیل علوم دینی
			* سطح دوم: فهم زوایای پنهان تحقیق در معارف دینی
		- دوم: شناساندن دین تبلیغ دین
		- سوم: دفاع از دین پاسداری از دین
		- چهارم: اجرای و تحقق بخشیدن به دین
			* سطح اول: در جان آحاد انسان‌ها انسان سازی دینی، تربیت دینی
			* سطح دوم: در کلان جامعه جامعه‌سازی دینی، تمدن سازی
* یک نمونه دیگر برای کشف قیاسی: تیپ‌های تخصصی عرصه اخلاق و تربیت با تنظیر به فضای بهداشت و درمان:
	+ محقق اخلاق و تربیت:
	+ مدرس اخلاق و تربیت: انتقال به حوزه‌های تخصصی، با زبان تخصصی. نیروپروری.
	+ مروج (مبلغ) اخلاق و تربیت: انتقال به توده مردم، با زبان عمومی. اطلاع‌رسانی.
	+ مشاور اخلاق و تربیت: تطبیق یافته‌های کلی بر احوال شخصی و فردی در ارتباط چهره به چهره.
	+ مربی اخلاق و تربیت: همراهی در یک زمان طولانی.
	+ مهندسی اخلاق و تربیت: تولید تجهیزات و سخت افزارها و صنایع مرتبط؟
	+ مدیر اخلاق و تربیت: فراتر از ارتباط فردی، سازمان‌سازی و مدیریت جمع‌ها. چرا زمانی که ابعاد کار کلان می‌شود ما موفق نیستیم؟ باید مدیریت اخلاقی ایجاد شود.

صحبت‌های شخصی استاد عالم‌زاده

طلبه خوب بر دو قسم است:

* منفعل: منتظر پیشنهاد، خوب درس خوانده و هر پیشنهادی را به خوبی پاسخ می‌گوید. هر مقدار که کار را خوب انجام دهد، طبیعتا بعد از آن هم کارهای بیشتری پیشنهاد می‌شود و بالعکس.
* فعال: طرحی برای خدمت و الگویی برای اقدام عملی خودش آماده می‌کند. قبل از اینکه دیگران طرحی به او پیشنهاد دهند، خودش برنامه‌ریزی و اقدام می‌کند. نمونه‌های این مورد: حضرت یوسف علی نبینا و آله و علیه السلام (پیشنهاد خزانه داری)، استاد قرائتی (پیشنهاد شروع برنامه در صدا و سیما).
	+ گاهی اوقات پیشنهادهای موجود در مورد طلبه منفعل، انسان را به کوره راه می‌برد.
	+ به اصطلاح امروزی به چنین طلبه‌ای، کارآفرین می‌گویند.
	+ انتخاب سنگر، کار بسیار سختی است و روز به روز هم سخت‌تر می‌شود. چراکه روز به روز جامعه پیشرفته‌تر می‌شود و استانداردها بالاتر می‌رود (مثال خانه کاه‌گلی در مورد فرآورده‌های فرهنگی هم صادق است).
* چند نکته برای تشخیص سنگر در امروز:
	+ این تشخیص، امروزه به تنهایی ممکن نیست و نیازمند مشاوره و تخصص‌های مختلف است. (فعالیت جمعی برای انتخاب مأموریت) تشکیل جلسات ایده‌پردازی. (حرکت شورایی، نه حرکت مشاوره‌ای. در شورا همه با هم تصمیم می‌گیرند و همه با هم عمل می‌کنند). برای این مسئله باید حدأقل ماهی یکبار جلسات هم‌اندیشی داشته باشیم. مثال: بدترین کاری که می‌توان با 100 میلیون تومان پول کرد، این است که به صورت 10 هزار تومانی آن را خرج کرد؛ در حالی که یک کار منحصر به فرد می‌توان با آن 100 میلیون تومان انجام داد. مثل عمر ما، این 100 میلیون تومان است. ممکن است انسان در طول عمرش همه‌اش کارهای خوب انجام دهد، ولی به صورت خرد و جزئی.
	+ چرا این پراکنده‌کاری‌ها مؤثر نیست؟ در دنیای امروز، این یک کار، چشم‌ها رو به خود معطوف نمی‌کند. انسان با یک کتاب مطرح نمی‌شود، ولی اگر در یک موضوعی انسان 10 کتاب بنویسد، دو اتفاق می‌افتد: یکی اینکه انسان به عمق مطلب پی برده و از کارهای موجود جلو می‌زند. اتفاق دوم در شخصیت خود انسان است که تبدیل به یک شخصیت مرجع در آن موضوع می‌شود. امروزه باید کلان پروژه کار کرد، نه یک پروژه. چند فرد نمونه در این زمینه: استاد فلاح زاده در زمینه احکام، آیت الله ری شهری در زمینه حدیث، آیت الله مصباح در علوم انسانی. فعالیت‌های مفید هم‌بند تولید کنیم.